



دانشگاه تربیت معلم
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

بررسی فقهی و حقوقی جرائم علیه اخلاق عمومی

استاد راهنما:

دکتر امیر وطنی

دانشجو:

مهدی نجفی ضیاء

آذر ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بی قرار تو ام و در دل تنگم گله هاست آه! بی تاب شدن عادت کم حوصله هاست
مثل عکس رخ مهتاب که افتاده بر آب دردم هستی و بین من و تو فاصله هاست

تقدیم به ساحت مقدس امام عصر،
مولای مان حجه بن الحسن العسکری (عج)
وپدر و مادر مهربانم
و همسر فداکارم

به یاد خدا

«من لم يشكر المخلوق، لم يشكر الخالق»

ستایش ایزد منان را سزد آن زمان که بر انسان خاکی منت نهاد، گرمی اش داشت و به زمینش آورد تا صراط مستقیم را به سوی سعادت اوج گیرد. و ستایش تنها او را سزد آن زمان که آئینه‌ی تمام‌نمای سعادت و راهنمایی حقیقت را بر سینه‌ی گسترده شده‌ی بنده‌ی برگزیده‌اش محمد (ص) الهام نمود.

و درود و رحمت آن یکتای بی‌همتا بر رسولان برحقش و خاتم‌النبیین و اهل بیت پاکش و بر امام عصرمان، مولایمان مهدی (عج).

سلام و درود بر روان پاک روح خدا، خمینی کبیر و شاهدان شهید حق و عدالت و ادامه دهنده‌ی راه ایشان، مقام معظم رهبری.

با تقدیر و تشکر از تمامی معلمانم در طول سال‌های تحصیل، زحمات بی‌دریغ و فراوان اساتید عزیزم؛ جناب آقای دکتر امیر وطنی (استاد راهنما) و جناب دکتر علیرضا تقی پور (استاد مشاور) را در نگارش این رساله ارج می‌نهم و تقدیر می‌نمایم از راهنمایی‌های دکتر مدرس (استاد محترم رشته علوم سیاسی دانشگاه تربیت معلم)، اساتید محترم گروه حقوق دانشگاه تربیت معلم، جناب سرهنگ معالی (رئیس واحد تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان همدان)، اساتید محترم گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه بوعلی سینا، سرکار خانم بامستی، موسوی و سایر عزیزانی که یاری رسان حقیر بودند.

و در نهایت به نشانه احترام و قدردانی از زحمات و تلاش‌های نفس‌گیر همسر عزیزم، سرکار خانم حسابی که از ابتدای کار قربه‌الی الله همراهی ام نمودند، تشکر فراوان می‌کنم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	پیشگفتار
	بخش اول: کلیات
	فصل اول: جرم
۱	مبحث اول: تعریف
۱	(۱) تعریف جرم از نقطه نظر فقهی
۸	(۲) تعریف جرم از نقطه نظر قانونی
۱۰	(۳) تعریف جرم از نقطه نظر روان شناسی
۱۱	تعریف جرم از نقطه نظر اجتماعی
۱۲	مبحث دوم: عناصر تشکیل دهنده ی جرم
۱۲	اول: عنصر قانونی
۱۳	دوم: عنصر مادی
۱۳	سوم: عنصر روانی
۱۶	فصل دوم: اخلاق
۱۷	مبحث اول: تعریف
۱۸	مبحث دوم: قواعد اخلاقی

فصل سوم: جرایم علیه اخلاق عمومی

۲۲	مبحث اول: تعریف
۲۴	مبحث دوم: مجازات
۲۵	مبحث سوم: سابقه ی تقنینی مقررات کیفری جرایم علیه اخلاق عمومی در ایران
۲۹	مبحث چهارم: اهداف وضع قوانین کیفری

بخش دوم: جرایم علیه اخلاق عمومی مستوجب حد

۳۲	مقدمه
----	-------

فصل اول: زنا

۳۷	مبحث اول: تعریف و شرایط حد
۳۷	(۱) فقدان علقه ی زوجیت
۳۷	(۲) نزدیکی و جماع
۳۸	(۳) عدم شبهه
۴۱	(۴) بلوغ، عقل، اختیار
۴۱	الف) بلوغ
۴۲	ب) عقل
۴۲	ج) اختیار
۴۴	اضطرار بر زنا
۴۵	تأثیر رضایت بر زنا
۴۶	مبحث دوم: عناصر تشکیل دهنده ی جرم زنا
۴۷	مبحث سوم: ادله اثبات جرم زنا
۴۸	اول: اقرار

۴۹	انکار پس از اقرار
۴۹	توبه پس از اقرار
۵۰	اثر اقرار نسبت به طرف مقابل
۵۱	دوم: شهادت
۵۳	شرایط شهادت
۵۴	شهادت زوج علیه زوج
۵۶	توبه مشهود علیه
۵۷	سوم: علم قاضی
۵۸	الف) تعریف علم قاضی
۵۹	ب) اقوال در حجیت علم قاضی
۶۰	ج) دلایل اعتبار علم قاضی
۶۱	د) دلایل عدم اعتبار علم قاضی
۶۴	ه) ویژگی های علم قاضی
۶۷	نتیجه
۶۸	تتمه
۷۰	حق شکایت کیفری
۷۷	مسئولیت مدنی ناشی از زنا
۷۸	مبحث چهارم: مجازات زنا
۷۸	اول: قتل
۸۰	دوم: حد رجم (سنگسار)
۸۱	سخنی در خصوص رجم

۹۰	سوم: تراشیدن سر و تبعید به مدت یک سال
۹۱	چهارم: حد تازیانه
۹۱	تشدید کیفر
۹۲	کیفیت اجرای حد
فصل دوم: لواط، مساحقه و قوادی	
	مبحث اول: لواط
۹۴	الف) تعریف
۹۵	ب) عناصر تشکیل دهنده ی جرم لواط
۹۶	ج) ادله اثبات جرم لواط
۹۶	د) مجازات جرم لواط
۹۹	مبحث دوم: مساحقه
۱۰۱	مبحث سوم: قوادی
بخش سوم: جرایم علیه اخلاق عمومی مستوجب تعزیر	
۱۰۴	مقدمه
فصل اول: رابطه ی نامشروع و عمل منافی عفت غیرزنا	
۱۰۷	مبحث اول: تعریف
۱۱۴	مبحث دوم: عناصر تشکیل دهنده ی جرم روابط نامشروع و عمل منافی عفت غیرزنا
۱۱۷	تکرار جرم
۱۱۸	مبحث سوم: مجازات
فصل دوم: تظاهر به عمل حرام و عدم رعایت حجاب شرعی	
۱۲۰	مقدمه

۱۱۹	مبحث اول: تعریف
۱۲۲	مبحث دوم: عناصر تشکیل دهنده ی جرم تظاهر به عمل حرام و بدحجابی در انظار عمومی
۱۲۳	مبحث سوم: بررسی فعل حرام
۱۲۷	نظر مخالف مشهور
۱۳۴	تعارض جواز رجوع به منابع فقهی با اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها
۱۴۳	مبحث چهارم: مبانی فقهی جرم بی حجابی
۱۴۵	پوشش در قرآن
۱۴۸	عدم رعایت حجاب، درنگرش جامعه شناختی
۱۴۹	نکاتی پیرامون ماده ۶۳۸ ق.م.ا.
۱۵۰	مبانی فقهی و حقوقی رعایت حجاب به وسیله ی اقلیت های دینی
	فصل سوم: دایر نمودن مرکز فساد و فحشاء و تشویق به فساد
۱۵۶	مبحث اول: تعریف
۱۵۸	مبحث دوم: عناصر تشکیل دهنده ی جرم دایر و اداره کردن مرکز فساد و فحشاء و تشویق به فساد
۱۶۰	تعریف قوادی
۱۶۱	تشدید کیفر
	فصل چهارم: تهیه و توزیع و نمایش اشیاء منافی عفت عمومی
۱۶۳	مبحث اول: تعریف
۱۷۱	مبحث دوم: عناصر تشکیل دهنده ی جرم تهیه و توزیع اشیای منافی عفت عمومی
۱۷۴	نکاتی پیرامون ماده ۶۳۹

۱۷۶ مبحث سوم: مجازات

فصل پنجم: روسپیگری

۱۷۸ مقدمه

۱۷۹ مبحث اول: تعریف

۱۸۱ مبحث دوم: مبانی شرعی روسپیگری

۱۸۵ مبحث سوم: روسپیگری در حقوق ایران

۱۸۹ مبحث چهارم: مجازات روسپیگری

۱۹۱ مبحث پنجم: روسپیگری در قوانین سایر کشورها

بخش چهارم: حقوق تطبیقی

۱۹۸ مقدمه

فصل اول: کامن لا، رومی - ژرمنی

۲۰۰ مبحث اول: حقوق انگلیس

۲۰۲ مبحث دوم: حقوق آمریکا

۲۰۵ مبحث سوم: حقوق جزای جمهوری خلق چین

۲۱۰ مبحث چهارم: حقوق بین الملل کیفری

۲۱۹ نتیجه گیری

۲۲۲ فهرست منابع

چکیده

جرائم علیه اخلاق عمومی، رفتار هایی در قالب انحرافات جنسی و ضدارزش های اخلاقی عموم جامعه می باشد. برقراری روابط جنسی مشروع از هنجارها و ارزش های هر جامعه بوده و در تعالیم اسلامی بر رعایت این روابط تأکید شده است. قانون گذار بعد از پیروزی انقلاب بر اساس فقه امامیه، توجه جدی به این رفتارها نموده و به پیروی از فقها در دو قسمت «حدود» و «تعزیرات» انحرافات جنسی را تقنین کرده است.

حقوق موضوعه در مورد جرائم علیه اخلاق عمومی در زمینه تعریف برخی مفاهیم، ادله اثبات، مجازات، ناروا است. اقرار و شهادت از دلایل مصرح در قانون مجازات اسلامی برای اثبات جرائم علیه اخلاق عمومی می باشند. قانون گذار علم قاضی رانیز به طور ضمنی از دلایل اثبات قرار داده است. این اشاره ضمنی در ماده ۱۰۵ ق.م.ا. به دلیل محتوا و جایگاه آن باعث اختلاف بین نویسندگان فقهی و حقوقی شده است.

مجازات جرائم علیه اخلاق عمومی، قتل، رجم، حبس، تازیانه، مصادره اموال و تعطیلی محل مربوطه، در قانون عنوان شده است. در این میان «رجم» کیفری است که از جهت شرعی بودن یا نبودن محل تردید و اشکال می باشد. مفهوم فعل حرام مذکور در ماده ۶۳۸ ق.م.ا. شائبه مخالفت با اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها را ایجاد کرده است.

روسپیگری رفتاری است که در قانون بدان توجه نشده، و خلأ قانونی باعث فزونی این پدیده ی ضدارزش های اخلاقی شده است. نگارنده رساله، با نگاه فقهی و حقوقی و با استمداد از حقوق تطبیقی جرائم علیه اخلاق عمومی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و تلاش نموده اشکالات وارده را متذکر و تا حد امکان پاسخ مناسب ارائه نماید.

واژگان کلیدی: جرم، عفت، اخلاق عمومی، علم قاضی، حدود، تعزیرات، فعل حرام، روسپیگری.

پیشگفتار

در جوامعی که ارزش ها و اصول برای سعادت و هدایت بشر مستحکم شده است، تخطی به ارزش ها از طرف شخص یا اشخاصی موجب برخورد از طرف قوه ی حاکمه (نماینده جامعه) می شود. جرایم علیه اخلاق عمومی ، جرایمی بر ضد ارزش های اخلاقی پذیرفته شده نزد عموم مردم است. در هر جامعه ای برای داشتن روابط سالم جنسی ، قوانین و مقرراتی وجود دارد. لذت جنسی از لذت هایی است که اگر کنترل نشود موجب مفسد کثیر در جامعه می شود. در فقه و حقوق و جامعه شناسی هر گونه رفتار خارج از رابطه ی جنسی قانونی، انحراف جنسی محسوب می شود.

در این رساله جرایم علیه اخلاق عمومی تعریف گشته و ادله و احکام آن از دیدگاه فقها و حقوق دانان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نظام حقوقی ایران مخصوصاً بعد از انقلاب مبتنی بر نظام حقوقی اسلام و مذهب شیعه ی دوازده امامی می باشد. شارع مقدس برخی افعال را حرام اعلام نموده و برای آن ها کیفر اعم از حد و تعزیر مقرر نموده است. قانون گذار ایران به تبعیت از فقه ، محرّمات مورد تأکید شارع را تقنین کرده است. و حتی برخی بر این عقیده اند که در حقوق ایران بین " تحریم " و " تجریم " وحدت ایجاد شده است. اقتضای این وحدت رجوع به منابع اسلامی یعنی ؛ کتاب، سنت، اجماع و عقل می باشد. مقام رجوع کننده نیز قاعدتاً مراجع قضایی می باشد.

نگارنده در تلاش است به این **سؤال پاسخ دهد** که با توجه به اینکه در جمهوری اسلامی ، وظیفه ی قانون گذاری بر عهده ی قوه ی مقننه می باشد،^۱ - آیا مرجع قضائی می تواند مصادیق رفتارهای علیه اخلاق عمومی را در کتب فقهی شناسایی نماید و از طرف خود حکمی صادر کند؟

دین اسلام نسبت به همه ی امور زندگی احکامی را مقرر فرموده است. قسمی از این احکام به عنوان احکام خمس معروف شده اند؛ واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح. حال سؤال این است که؛ ۲- آیا امکان جرم انگاری محرمات و ترک واجبات به وسیله ی قانون گذار یا همان وحدت بین " تحریم " و " تجریم " وجود دارد؟ سئولات مذکور و نیز پرسش های مهم دیگری که در ارتباط با جرایم علیه اخلاق عمومی مطرح است، از قبیل کیفر رجیم و ادله اثبات، نگارنده را بر آن داشته که قلم بردارد و به تحقیق و پژوهش در منابع فقهی و حقوقی بپردازد.

جواب های احتمالی که ابتدائاً به ذهن متبادر می شود عبارت است از:

۱. مراجعه به منابع فقهی و یافتن مصادیق رفتارهای علیه اخلاق عمومی در موارد سکوت قانون، برخلاف حقوق و آزادی های فردی است. طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات ، وقتی می توان رفتاری را جرم اعلام کرد که در حقوق جزا تقنین شده باشد.

۲. هرچند هدف از وضع قانون جزا پیش گیری از وقوع جرم در جامعه می باشد، جرم انگاری بدون توجه به افکار عمومی و آماده کردن بسترهای مناسب، باعث پیشگیری از جرم نمی شود. در این تحقیق تلاش شده است به سئولات مذکور پاسخ داده و درستی یا نادرستی پاسخ های احتمالی (فرضیه ها) مورد بررسی قرار گرفته است.

در حال حاضر مشکلاتی در نظام قانون گذاری کشور در زمینه ی جرائم علیه اخلاق عمومی وجود دارد. با در نظر گرفتن این نواقص و اشکالات تحقیقی جامع از منظر فقهی و حقوقی انجام داده است و اشکالات موجود که در مفهوم، مصداق، مجازات و ادله ی اثبات جرائم علیه اخلاق عمومی وجود دارد، بررسی شده است. برطرف نمودن اشکالات موجود می تواند کمک بسزایی در جهت تعدیل شرایط کنونی که سوداگران و متجاوزان امنیت اخلاقی جامعه را به خطر می اندازند، بنماید.

جرایم علیه اخلاق عمومی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، منحصر در ایجاد رابطه ی نامشروع و عمل منافی عفت (ماده ۶۳۸) ارتکاب علنی محرمات دارای کیفر و بدون کیفر و حضور زنان بی حجاب در جامعه (ماده ۶۳۸)، دایر و اداره کردن مرکز فساد و فحشاء (ماده ۶۳۹)، تهیه، توزیع و نمایش اشیاء منافی عفت (ماده ۶۴۰)، می باشد. زنا، لواط، مساحقه و قیادت در کتاب حدود قانون مجازات اسلامی آمده اند، هرچند عنوان جرائم علیه اخلاق عمومی نام نگرفته اند ولی در واقع جزء این نوع از جرایم می باشند. نویسندگان در این رساله پس رجوع به منابع معتبر اسلامی، کتب فقهی جدید و قدیم، مقالات و تألیفات حقوقدانان و جرم شناسان و بالأخره جستجو در اینترنت و دنیای مجازی اقدام به نگارش این رساله نموده است. در نگارش مطالب توجه به حقوق تطبیقی داشته و حقوق نظام های؛ آنگلاساکسون، رومی ژرمنی، جمهوری خلق چین و قوانین بین المللی را ذکر نموده است.

نگارنده اولاً: با نگاه فقهی و حقوقی مفاهیم را تعریف نموده است. ثانیاً: عناصر تشکیل دهنده ی این جرایم را بیان نموده. ثالثاً: در زمینه ی ادله ی اثبات با توجه به نظرات فقها و حقوق دانان به رفع نواقص و کاستی ها پرداخته است. در مورد روسپیگری که در حال حاضر موضوعی جدید و محل بحث می باشد، با توجه به منابع شرعی و قانونی مطالبی بیان نموده است..

روش جمع آوری داده ها. نگارنده روش کتابخانه ای را جهت انجام تحقیق به کار برده و نگارش مطالب اخلاق نویسندگی واملنت داری رارعايت نموده است. برای نگارش این تحقیق تلاش شده که از منابع معتبر و دست اول استفاده شود.

امید است که با استعانت از قادر متعال و استفاده حکیمانه از منابع معتبر شرعی، که واقعا خللی در آن ها نمی باشد و اگر هست متوجه استنباط ها و دریافت های شخصی می باشد، در زمینه ی جرایم علیه اخلاق عمومی قانونی مدرن و محکم تصویب شود و از اقدامات و حرمت شکنی های عده ای متجاوز و بی اخلاق به امنیت اخلاقی جامعه، جلوگیری شود.

این تحقیق مشتمل بر پنج بخش است. زیر مجموعه ی بخش، فصل و زیرشاخه ی آن، مبحث می باشد. مطالب شماره گذاری شده تا تنظیم آن به طور مطلوبی صورت گیرد. بخش اول در رابطه با تعریف مفاهیم است؛ تعریف جرم، عناصر متشکله آن، مفهوم اخلاق، سابقه ی تقنینی وهدف از وضع مقررات در این زمینه ، مباحث بخش اول می باشند. بخش دوم به بیان تعریف، عناصر متشکله، ادله ی اثبات و مجازات جرایم علیه اخلاق عمومی مستوجب حد اختصاص یافته است. بخش سوم همانند فصل بندی بخش دوم در مورد جرایم علیه اخلاق عمومی مستوجب تعزیری باشد. در بخش چهارم نظام های حقوقی بزرگ، یعنی کامن لا، رومی - ژرمنی، و حقوق کشور های سوسیالیستی ، در مورد جرایم علیه اخلاق عمومی بیان شده است. به علاوه قوانین بین المللی و قراردادهای بین المللی در این مورد ذکر شده است. لازم به ذکر است که، نگارنده این رساله دانشجویی بیش نبوده و هنوز در ابتدای راه پرفرازونشیب علم ودانش قرار دارد، از خوانندگان عزیز به جهت نواقص پوزش طلبیده و خواهان آن است که این موارد را بر حقیر متذکر شده و به بزرگواری خود ببخشند.

والسلام علی من التبع الهدی.

مبحث اول؛ تعریف

برای جرم از منظر علوم و دیدگاه های مختلف تعاریفی ارائه شده است. در اینجا نظری به این تعاریف انداخته و به اهم آن ها اشاره می کنیم.

(۱) **تعریف جرم از نقطه نظر فقهی**: ابتدا واژه جرم را از نظر لغوی و سپس از نظر اصطلاحی بررسی می کنیم.

الف) جرم در لغت: جرم و جریمه از ریشه ی " جَرْمٌ " به معنی قطع کردن گرفته شده است. به قول "راغب اصفهانی" اصل معنی "جَرْمٌ" بریدن میوه از درخت است، که برای هر کسب و کار زشت و مکروه استعاره شده و به معنی وادار کردن برکاری ناپسند نیز استفاده شده است.^۱ و دو آیه ذیل - به قول طبرسی - در همین معنی به کار رفته است:

۱- وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ

وَمَا قَوْمٌ لَوْطٍ مِّنْكُمْ بَبَعِيدٍ ﴿٨٩ هُودٍ﴾

« و ای قوم من دشمنی و مخالفت با من سبب نشود که شما به همان سرنوشتی که قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح گرفتار شدند گرفتار شوید، و قوم لوط از شما چندان دور نیست.»
کلمه ی "جرم" به معنای کار ناپسند و زشت آمده و "شقاق" به معنای اختلاف و دشمنی با یکدیگر، که این اختلاف خود کار زشت و ناپسند است.

۲- وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ... ﴿مائده ۸﴾

« دشمنی با جمعیتی شما را به گناه ترک عدالت نکشاند، عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیکتر است... »

با عنایت به آیات قبل و بعد، آیه ی شریفه بر زشت بودن شهادت به ناحق علیه کسی ، با انگیزه بغضی که شاهد نسبت به مشهود علیه دارد، دلالت می کند. یعنی حالتی که شاهد به

۱- المفردات فی غریب القرآن، (بدون تاریخ) راغب اصفهانی، دارالمعرفه، ص ۹۱.

این وسیله می خواهد حق مشهود علیه را از بین ببرد و انتقام بگیرد که این کار زشت و ناپسند است.^۱

(ب) جرم در اصطلاح: قبل از تعریف جرم از این جهت لازم است ابتدا مطالبی راجع به مفاهیم نزدیک به آن عنوان شود؛

اثم و معصیت: " اثم " گناهی است که موجب کند شدن انسان در راه رسیدن به کمال انسانی و مدارج عالیة اسلامی می شود. چه اینکه اثم در لغت نامی است برای کارهایی که کندی و سستی می آورد و از این رو عرب به شتر کند رو " آثمه " می گوید.

خطیئه: به گناهی اطلاق می شود که سراسر وجود انسان را فراگیرد و بر نفس چیرگی یابد تا جایی که بی اختیار و بدون قصد و اراده نیز از انسان سر بزند. واژه ی خطیئه از خطا گرفته شده است که نقطه ی مقابل آن عمد و اختیار است.

در آیه ۸۱ سوره بقره آمده است:

بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهَا خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿بقره ۸۱﴾
«آری کسانی که تحصیل گناه کنند و آثار گناه سراسر وجودشان را بپوشاند آنها اهل آتشند و جاودانه در آن خواهند بود.»

کلمه ی خطیئه به معنی آن حالتی است که بعد از ارتکاب کار زشت به دل انسان دست میدهد. و به همین جهت بود که بعد از کسب سیئه، احاطه ی خطیئه را ذکر کرد، و احاطه ی خطیئه (که خدا همه ی بندگانش را از این خطر حفظ فرماید) باعث میشود که انسان محاط به آن، دستش از هر راه نجاتی بریده شود. آنچنان خطیئه او را احاطه کرده است که هیچ راهی برای آنکه هدایت به وی آورد باقی نگذاشته، در نتیجه چنین کسی جاودانه در جهنم خواهد بود. و اگر در قلب او مختصری ایمان وجود داشت و یا از اخلاق و ملکات فاضله که منافی با حق

۱- موسوی، همدانی، (بدون تاریخ) ترجمه تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۰ ص ۵۵۸.

نیستند از قبیل انصاف، خضوع در برابر حق و نظیر این دو پرتو می‌بود، قطعاً امکان هدایت او وجود داشت. پس احاطه ی خطیئه در کسی فرض نمی‌شود، مگر با شرک به خدا که قرآن در باره اش فرموده: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ﴿٤٨- نساء﴾ «خداوند (هرگز) شرک را نمی‌بخشد! و پائین تر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته بدانند) می‌بخشد...»

و نیز از جهتی دیگر، مگر با کفر و تکذیب آیات خدا که قرآن در باره اش می‌فرماید:

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٩- بقره﴾

«و کسانی که کافر شوند و آیات ما را تکذیب کنند اهل دوزخند و همیشه در آن خواهند بود.»

پس در حقیقت کسب سیئه، و احاطه خطیئه به منزله ی کلمه جامعی است برای هر فکر و عملی که خلود در آتش بیاورد.

با توجه به تفکیک الفاظ مترادف از جرم، -از جهت تعریف و حکم - فقها جرم را که در حقوق جزا ملحوظ است این گونه تعریف می‌کنند: «جرم عبارت است از انجام دادن فعل، یا گفتن قول که قانون اسلام آن را حرام شمرده و بر فعل آن کیفری مقرر داشته است. یا ترک فعل یا قول که قانون اسلام آن را واجب شمرده و بر ترک آن کیفری مقرر داشته است.»^۱

گروهی از حقوق دانان اسلامی با توجه به تقسیم بندی جرایم از جهت امکان اثبات در محکمه گناهیانی را که اثبات آن‌ها در محکمه بسیار دشوار است، مثلاً غیبت و سخن چینی را معصیت و خطیئه و اثم می‌دانند و گناهیانی که امکان طرح و اثبات آن‌ها در محکمه اسلامی وجود دارد را جرم می‌دانند.^۲

۱- فیض، علیرضا، همان، ص ۷۱.

۲- همان، ص ۷۱.

در "احکام السلطانیة ماوردی" آمده است که: «جرم در شریعت اسلامی عبارت است از محضورات (اعمال ممنوعه) شرعی که خداوند به وسیله کیفر حد یا تعزیر از آن منع کرده است".^۱ استاد عبد القادر عوده عنوان محضورات را فقط بر اعمال حرام صادق می‌داند و ترک واجب را جزء محضورات نمی‌شمارد و می‌گوید: «این توهم شایع که ترک هر واجبی حرام و ترک هر حرامی واجب است از نظر تحلیل علمی هیچ پایه و اساسی ندارد؛ زیرا واجب چیزی است که شارع به سبب مصلحت ضروری به انجام آن امر کرده و حرام چیزی است که شارع به سبب مفسده شدیدی که در آن است از آن نهی کرده است. و ترک واجب بالضروره، موجب فساد نیست، بلکه گاهی بیش تر از تزییع مصلحت موجود در عمل واجب نمی‌باشد. بر این اساس روشن می‌شود که ترک واجب حرام نیست و در نتیجه از محضورات به شمار نمی‌رود از این رو ضروری است برای جرم مفهوم وسیعتر از آنچه واژه ی محظور بر آن دلالت میکند در نظر بگیریم، و آن واژه ی " ذنب " (گناه) است. زیرا جرم، گناه است و همان طور که انجام حرام گناه است ترک واجب نیز گناه شرعی است.»^۲

در بین فقهای اسلامی عده ای جرم (جریمه) را دارای مفهوم عام و شامل همه ی گناهان می‌دانند اعم از اینکه کیفر معین داشته باشد یا نداشته باشد. و در مفهوم دیگری برای اعمالی که از طرف شارع کیفر برای انجام یا ترک آن مقرر شده لفظ جنایت را به کار برده اند و خود این جنایت را برای اعم از نفس، مال، آبرو و امنیت دانسته اند.^۳

عده ای دیگر جنایت را فقط اعمال بر علیه نفس و اعضای بدن انسان می‌دانند. نظر بر این است که با توجه به عنصر زمان و مکان، لفظ جنایت فقط شامل اعمال علیه نفس و اعضای بدن باشد و امور دیگری که شارع برای انجام یا ترک آنها کیفر معین کرده است، جرم نامیده شود و غیر اینها تحت عنوان خطیئه و اثم قرار بگیرد. که البته برای هر سه مورد نزد خداوند حکیم،

۱- نقل از؛ عوده، عبدالقادر، (۱۳۷۲)، حقوق جنایی اسلام، آستان قدس رضوی، ص ۹۰.

۲- همان.

۳- همان.

حکمی وجود دارد و برای فاعل یا تارک آن‌ها کیفر، اعم از دنیوی در قالب: حد، تعزیر، قصاص یا دیه و اخروی، آتش جهنم مقرر شده است.

آیا مجازات دنیوی جبران مجازات سرای آخرت را می‌کند؟

برخی از گناهان فقط عذاب اخروی دارد و این معمولاً در مورد گناهی است که اثبات آن‌ها در دنیا، با معیارهای عادی امکان پذیر نیست. چون نفاق و سخن چینی. ولی برای جرایمی که مشاهده و ثبت و ضبط و اثبات آن‌ها در محاکم قضایی شرع امکان پذیر است و از طرفی برای جامعه زیان بخش است، کیفر های معینی قرار داده است. چون: دزدی، محاربه، زنا. و برای گناهان بزرگی که کیفر معین نکرده است، ولی فقیه را دستور داده که طبق مقتضیات و شرایط و احوال کیفری مناسب با گناه، معین و مقرر بدارد. تا این جا خلافتی بین فقها به چشم نمی‌خورد. اختلافاتی که از این به بعد میان آنان بروز کرده است این است که آیا مجازات های دنیوی، یعنی حد و تعزیر و قصاص و... کفاره ی گناهان شمرده می‌شود؟ بدین معنی که گناهان را محو و نابود می‌کند و گناهان به وسیله ی کیفر دنیوی مورد بخشش قرار می‌گیرند؟ و بنابر این در سرای آخرت از بابت این جرم که کیفر دنیوی در باره ی آن اجرا شده است، عذاب و کیفر دیگری نخواهد بود؟

گروهی از علما به این سوال پاسخ مثبت می‌دهند و مجازات های دنیوی را کفاره ی گناهان می‌دانند. و گروهی دیگر معتقدند کیفر دنیا برای ایجاد نظم و امنیت و عدالت در دنیا است و ربطی به حساب و کتاب جهان دیگر ندارد. بنا بر این مجازات مجرمان در آخرت همچنان باقی است. هر یک از این دو گروه برای خود دلیل هایی دارند که اینک به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. برای اثبات نظر گروه نخستین به دلایل زیر استناد شده است:^۱

۱-همان، ص ۶۱. دلایل طرفین از این مأخذ اخذ شده است.